

سنگسار و حکم فقهی آن

* خدیجه مهدی پورگل بته

* فرزانه طالقانی

چکیده

موضوع این مقاله، سنگسار و حکم فقهی آن می باشد. سنگسار حد شرعی زنای محصنه است و از احکام مسلم اسلامی است. گرچه به صورت صریح در قرآن نیامده، اما روایات بسیاری است که دلالت بر ثبوت چنین حکمی در اسلام می کنند و به همین علت امروزه در برخی از کشورهای مسلمان که حکومت آنان اسلامی است و یا احکام بر اساس اسلام است، سنگسار به اجرا گذاشته می شود.

هدف این پژوهش بررسی و تبیین فقهی حکم سنگسار است؛ زیرا بسیاری از شبهات در مورد مجازات سنگسار مطرح می شود که ناشی از عدم تصور دقیق چیستی و چرایی و شرایط مجازات سنگسار است.

رجم به گونه ای قبل از اسلام مشاهده شده است و در زمان پیامبر(صلی الله و علیه و آله) نیز بوده است؛ بنابراین رجم از احکام قطعی در فقه اسلام است و نقش بازدارنده و مهمی در جلوگیری از روابط نامشروع دارد و احکام خاصی بر آن مترتب می شود. لکن اگر حکم رجم با ضرورتی مهم تر مانند در خطر بودن اساس دین تراحم یابد، ولی فقیه زمان می تواند اجرای آن را غیر علنی و یا موقتاً تعطیل نماید.

واژگان کلیدی: سنگسار، رجم، حد زنا، تعزیر، مجازات اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

*استاد راهنما



طرح بحث

کسی که کم‌ترین آشنایی با مباحث جزایی اسلام داشته باشد، در می‌یابد سیاست جزایی اسلام در مواجهه با جرائم حق‌اللهمی به ویژه زنا و امثال آن، همواره با اغماض و عدم تجسس و چشم‌پوشی‌هایی که البته همگی جنبه‌ی تربیتی دارد، همراه است. تخریب جلوه‌ی احکام اسلام به وسیله‌ی تبلیغات منفی و سوءاستفاده از جهل و احساسات مردم عادی صورت می‌پذیرد.

وظیفه‌ی ما در برابر اسلام‌ستیزی، بالا بردن سطح فهم و درک مردم نسبت به قوانین الهی است نه حذف احکام سرنوشت‌ساز اسلامی. باید به مردم بیاموزیم عقلانیت و استدلال درباره‌ی امور دینی، ابزاری برای رسیدن به سعادت اخروی است. در صورتی که این ابزار، وسیله‌ی برای شقاوت ابدی و عامل تشدید عذاب اخروی باشد، سلب این ابزار مطمئناً به نفع یک مسلمان خواهد بود. شاید یکی از حکمت‌های این که بر اساس برخی روایات، یکی از شرایط اجرای سنگسار را مسلمان بودن عنوان می‌کند، نشان‌دهنده‌ی جلوه‌ی رحمانی و بخشندگی خداوند در اعتبار و جعل مجازات سنگسار است تا از حیات طیبیه و الهی مسلمان دفاع کند.

در نظام‌های کیفری، هر مجازات اهداف خاصی دارد. در نظام کیفری اسلام نیز مانند سایر نظام‌های کیفری، یکی از اهداف مهم مجازات، بازداشتن انسان‌ها از ارتکاب جرم است؛ اما این اثر لزوماً بر اجرای کیفر مترتب نیست، بلکه این اثر عمدتاً بر وجود قوانین کیفری بازدارنده مترتب می‌شود. قانون کیفری باید به گونه‌ای باشد که قبل از این که اجرا شود، تأثیر خود را در بازداشتن افراد از ارتکاب جرم داشته باشد.



نظام کیفری اسلام، دو نوع درمان برای دو مرحله از ناهنجاری های جامعه‌ی اسلامی دارد که عبارت است از: مجازات های سبک و مجازات های سنگین. گاهی جرائم در شرایط عادی جامعه رخ می‌دهد که حاکی از وخامت شدید اوضاع اجتماعی نیست.

در نتیجه حاکم با اختیاراتی که دارد، می‌تواند با در نظر گرفتن نوع جرم، شخصیت مجرم و اوضاع و احوال ارتکاب جرم، تصمیم مقتضی را در برخورد با وی اتخاذ نماید؛ اما در مجازات های سنگین، اعمال این مجازات ها منوط به شرایط و قیدهای فراوانی است؛ به نحوی که همه‌ی آن شرایط به ندرت فراهم می‌شود.

این نوع مجازات ها از نوع درمان های سخت است که تنها در شرایطی خاص به کار گرفته می‌شود. این نوع درمان در جایی تجویز می‌شود که بزهکاری در آن به وضع حاد و بحرانی برسد و ارتکاب جرائم قبیحی نداشته باشد. اسلام، سلب زندگی مجرم را هدف قرار نداده است.

سیاست کیفری اسلام بیشتر بازدارنده است تا اجرای آن؛ بنابراین گرچه برخی از این مجازات ها مانند سنگسار به ظاهر سنگین به نظر برسند، ولی اسلام راه-های اثبات آن را چنان محدود کرده است که عملاً به ندرت اتفاق می‌افتد؛ اما در عین حال، ترس از آن به عنوان یک عامل بازدارنده ی قوی و مؤثر روی افراد منحرف و غیر قابل کنترل اثر خود را خواهد گذاشت.

از سوی دیگر شرایطش را غیر قابل اثبات هم نکرده تا عملاً اجرای احکام منتفی گردد؛ زیرا در این صورت اولاً با حکمت وضع احکام منافات خواهد داشت و ثانیاً بازدارندگی خود را از دست خواهد داد و قانون، عبث خواهد گشت.



الف. شرایط رجم و طریقه ی اجرای حکم

اصولاً در ایران و سایر کشورها برای کیفر دادن متهم باید شرایط عامه ی تکلیف در وی باشد؛ زیرا از جمله اهداف مجازات، اصلاح مجرم می باشد. برخی از علماء، علم را در این بحث از شرایط عامه ی تکلیف می دانند. لذا شخص باید به موضوع علم داشته باشد؛ زیرا کیفر دادن شخصی که هدف از مجازات شدن خود را نمی داند، نمی تواند مثمر ثمر قرار گیرد.

لذا در این بخش شرایط رجم شرح داده می شود که شامل شرایط زانی و زانیه و مصادیق زانی مستوجب کیفر می باشد و سپس به ادله ی اثبات زنا از قبیل اقرار و شهادت شهود و همچنین علم امام و حاکم اشاره می شود.

۱. شرایط رجم

در شرایط رجم، مواردی از قبیل شرایط زانی و زانیه و مصادیق زانی مستوجب کیفر مورد بررسی قرار می گیرد.

— شرایط زانی یا زانیه

برای این که سنگسار تحقق یابد، باید زانی و زانیه، شرایط عمومی تکلیف را داشته باشند؛ زیرا خلل در هر یک از شرایط عمومی تکلیف، باعث سقوط مجازات می شود. در این مبحث به سه مورد پرداخته می گردد که شامل بالغ و عاقل بودن، مختار بودن و آگاه بودن به موضوع و حکم است. همچنین محصن بودن زانی یا زانیه نیز مورد بررسی قرار می گیرد.



بالغ و عاقل بودن

دو قید بالغ و عاقل بودن، بدین معناست که شخص باید به سن بلوغ رسیده باشد و در حین ارتکاب، مجنون نباشد و دارای قوه‌ی عقلانی و شعور باشد که این مطلب مورد نظر فقها بوده است.

شهید اول و شهید ثانی، دو قید بالغ و عاقل بودن را برای زانی یا زانیه، جهت تحقق زنا لازم دانسته‌اند.

شهید ثانی معتقد است که اگر پسر بچه‌ای آلت خود را در فرج زنی داخل کند، فقط او را تأدیب می‌کنند و بنا بر اقوی در این خصوص بر مجنون حد جاری نمی‌شود؛ زیرا تکلیف از او ساقط است. (عاملی جبعی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۴۷)

محقق حلی هم در کتاب شرایع الاسلام معتقد به این دو قید بوده و در کتابشان ذکر می‌کنند که زانی یا زانیه، علاوه بر بلوغ، باید عاقل هم باشند و رجم و حد بر مجنون در حال زنا محقق نمی‌شود. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ق، ج ۲، ص ۹۳۴)

حضرت امام خمینی در تحریر الوسیله نیز دو قید بالغ و عاقل بودن را در تحقق حد زنا شرط دانسته و بیان می‌دارند:

«اگر نابالغ این فعل را انجام دهد، حد بر او جاری نمی‌شود.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۵۶)

در خصوص عاقل بودن هم معتقد است که زنای زن دیوانه و زنای مرد دیوانه حد ندارد. همچنین مرحوم نجفی در جواهر الکلام، دو قید عاقل و بالغ بودن را شرط تحقق زنا و عدم بلوغ را موجب عدم تحقق حد دانسته و با توجه به حدیث «رفع» آن را اثبات نموده است. (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۴۱، ص ۲۶۲)



– مختار بودن

دین مقدس اسلام، وقتی انسان را مستحق کیفر و عقاب می‌داند که او عمل حرامی را از روی اختیار و آزادی کامل انجام داده باشد. با توجه به آیه ی شریفه که می‌فرماید:

«فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره/ ۱۷۳)

«پس هر کس به خوردن آن‌ها (مردار و گوشت خوک) محتاج شود، در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه‌ی رمق) نیز تجاوز نکند، گناهی بر او نخواهد بود که به قدر احتیاج بخورد.»

لذا می‌توان این نتیجه را گرفت که در اسلام، اگر عملی از روی میل و رغبت شخص مرتکب نباشد، بلکه از روی اضطرار و ناچاری یا اجبار و اکراه دیگری باشد، مستوجب عقوبت نخواهد بود.

فقها در مختار بودن زانی یا زانیه در تحقق زنا، اتفاق نظر دارند و در واقع، یکی از شرایط تحقق حد زنا را مختار بودن می‌دانند و اکثریت فقها در تعریفی که از زنا داده‌اند، به این نکته اشاره نموده‌اند. از جمله محقق حلی می‌فرماید:

«يَشْتَرِطُ فِي تَعَلُّقِ الْحَدِّ الْعِلْمُ بِالتَّحْرِيمِ وَالاِخْتِيَارِ وَالبُلُوغِ» (محقق حلی، ج ۲، ص ۹۳۳)

شرط در تحقق حد، علم به حرام بودن فعل و اختیار و بالغ بودن است.

شهید اول و شهید ثانی نیز قایل به مختار بودن زانی یا زانیه در تحقق زنا هستند و شهید ثانی می‌فرمایند:

«اگر کسی به زنا اکراه شود، بر فاعل بنا بر قول صحیح تر و بر قابل به اجماع فقها حد

جاری نمی‌شود.»



تحقق اکراه به آن است که کسی شخصی را تهدید کند که اگر آن کار را نکند، به او یا کسی که به منزله ی اوست، ضرر و زیان وارد می سازد؛ به شرط آن که: اولاً تهدید کننده، توانایی عمل به تهدید خود را داشته باشد و ثانیاً گمان عملی کردن تهدید در حق او برود. (عاملی جبعی، ج ۲، ص ۳۴۸)

در جواهر الکلام نیز مختاریت، جهت تحقق حد زنا شرط شده است و اکراه را موجب سقوط حد دانسته و بیان داشته که هیچ گونه خلاف و اشکالی در آن نیست و در تحقق اکراه نسبت به زن، قابل تحقق است و قطعاً موجب سقوط حد می شود، با توجه به حدیث رفع و در تحقق اکراه نسبت به مرد، تردید است. (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۴۱، ص ۲۶۶)

شهید ثانی معتقد است این امر که اکراه در مرد قابل تحقق نیست، ضعیف است؛ زیرا برای تحقق و صدق زنا، همین اندازه کافی است که آلت مرد به اندازه ی حشفه در فرج زن داخل و پنهان شود. (عاملی جبعی، ج ۲، ص ۳۴۸)

پس می توان این نتیجه را گرفت که اگر زانی یا زانیه مرتکب زنا شده باشند و آن از روی اختیار نبوده باشد، بلکه به این کار اجبار شده باشند، چون با اختیار صورت نگرفته است، باعث سقوط حد می شود.

امام خمینی نیز معتقدند اکراه، موجب سقوط حد می باشد و اگر مرد یا زنی را با تهدید وادار به زنا کنند، زنا ی آن ها حد ندارد. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۵۶)

– آگاه بودن به موضوع و حکم

یکی از شرایطی که برای زانی یا زانیه ی مستوجب کیفر حد الزامی است، آگاه بودن به حکم و موضوع است؛ به عبارت دیگر یعنی این که مرتکب بداند این فعلی که انجام می دهد، قابل کیفر است و همچنین بداند که انجام این فعل، زنا و حرام است.



شهید ثانی می فرمایند که زنا، آن است که مرد بالغ و عاقل، از روی علم، یعنی فاعل بداند که فعل او حرام است؛ بنابراین اگر تازه مسلمان باشد و به همین دلیل از حرام بودن عمل بی اطلاع باشد، یا به خاطر شبهه‌ای گمان کند که این کار حلال است، او زناکار به شمار نمی رود و به عبارت دیگر جهل به موضوع پذیرفته شده است. (عاملی ج ۲، ص ۳۴۸)

شهید اول هم علم و آگاه بودن به موضوع را پذیرفته است و گفته است که اگر کسی با مادر خود یا زن محصنه به گمان حلیت، با آن‌ها ازدواج کند، حدی بر او جاری نیست. (مکی‌العاملی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۲۱)

حضرت امام خمینی معتقدند که اگر زن در عده ی طلاق رجعی زنا بدهد، رجم می شود و همچنین اگر در عده، شوهر کند و شوهرش بداند که او در عده است و بداند نکاح در عده حرام است، اگر با او جماع کند، زنا ی محصنه کرده است و اگر جهل به حکم یا موضوع باشد، پس حدی نیست و اگر یکی از آن دو عالم و دیگری جاهل باشد، عالم سنگسار می‌شود و جاهل سنگسار نمی‌شود و اگر یکی از آن دو ادعا کند که من حکم را نمی‌دانستم و یا از موضوع خیر نداشتم، از او پذیرفته می‌شود به شرطی که ادعای جهل از او پذیرفته شود. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۵۸-۴۵۶)

نکته‌ی قابل ذکر این که حضرت امام، جهل به موضوع را حین ارتکاب پذیرفته‌اند؛ به عبارت دیگر شخص باید در حین ارتکاب عمل، علم داشته باشد که این عمل حرام است؛ خواه به اجتهاد، خواه به تقلید.

در غیر این صورت بر کسی که اطلاعی از حرمت این عمل ندارد، حدی جاری نمی‌شود. هر چند که قبلاً می‌دانسته ولی در حین عمل، فراموش کرده باشد، حد از او ساقط می‌شود.



صاحب جواهر هم از جمله شرایط زانی مستوجب رجم را این می‌داند که زانی یا زانیه، علم به تحریم و حرام بودن آن داشته باشند و این علم باید در زمانی که فعل را انجام می‌دهد، باشد نه بعد از انجام آن و اگر این علم نباشد، با توجه به قاعده‌ی «درء» یعنی این که حد با شبهه ساقط می‌شود، مستوجب حد نیست. (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۴۱، ص ۲۶۱)

آیت الله اردبیلی هم بیان داشته‌اند که اگر زانی یا زانیه با علم به حکم و موضوع، مرتکب این فعل شوند، حد بر آن‌ها تمام است و در صورت جهل، حدی بر آن‌ها نیست. هر چند که این جهل، ناشی از تقصیر باشد و اگر یکی از آن‌ها ادعا کند که جاهل به حکم یا موضوع و یا هر دوی آن‌ها بوده است، از او پذیرفته می‌شود و هیچ تکلیفی جهت اثبات جهل خود ندارد. (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷)

– محصن بودن زانی یا زانیه

یکی دیگر از شرایط زنا‌ی مستوجب کیفر رجم، محصن بودن زانی یا زانیه است؛ به عبارت دیگر، شرایط فوق را می‌توان شرایط عمومی زنا تلقی کرد که هم در زنا‌ی مستوجب کیفر رجم باید احراز شود و هم در غیر آن، ولی احصان را باید به عنوان یکی از شرایط اختصاصی کیفر رجم به حساب آورد که وجود آن برای تحقق حد زنا‌ی غیر رجم لازم نخواهد بود.

حضرت امام در تحریر الوسیله، احصان را این گونه تعریف نموده‌اند:

«محصن بودن مرد یعنی دارای همسر واجد شرایط بودنش و محصن بودن زن

یعنی دارای همسر واجد شرایط بودنش...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۵۷)

شهید اول در تعریف احصان معتقد است که احصان عبارت است از آن که مرد بالغ و

عاقل، آلت خود را در آلت تناسلی زنی داخل کند که فرج او به عقد دائم یا به ملک، از



آن او باشد در صورتی که این داخل کردن معلوم باشد به گونه ای که بتواند صبح و شام از او بهره مند شود. (مکی العاملی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱۴)

۲. شرایط احسان

شهید ثانی هشت قید را در محصن بودن زانی یا زانیه لازم می داند:

- اصابت

یعنی وطی در قبل باشد به گونه ای که موجب غسل گردد و در نتیجه عقد به تنهایی، خلوت کردن با زن به طور کامل، وطی در دبر، قرار دادن آلت مردانه در میان دو ران و حتی داخل کردن آلت در قبل به گونه ای که موجب غسل نشود، برای تحقق احسان کفایت نمی کند. شهید برای تحقق احسان، خارج شدن منی و سالم بودن بیضتین را شرط نمی داند. در نتیجه احسان در مرد سالم و مانند او محقق می شود اما در مرد معیوب (کسی که آلت نرینه اش را بریده و از آن هیچ باقی نمانده است) محقق نمی شود، اگرچه محل عضو را به بدن همسرش بمالد.

- وطی کننده بالغ باشد

لذا اگر پسر بچه ای آلت خود را در فرج زن داخل کند و مقدار حشفه پنهان شود، آن بچه محصن نخواهد بود، حتی اگر سن او نزدیک به بلوغ باشد.

- عاقل باشد

اگر در زمان جنون وطی کند، احسان محقق نمی شود. اگرچه هنگام عقد بستن عاقل باشد؛ اما اگر در زمان عاقل بودن وطی کند و پس از آن دیوانه شود، احسان محقق می شود.



- آزاد باشد

یعنی برده نباشد.

- وطی و دخول در فرج صورت گرفته باشد

بنابراین وطی در پشت و امثال آن، کفایت نمی کند.

- آن فرج به عقد دائم یا ملک یمین مملوک مرد باشد

لذا احصان به واسطه‌ی وطی زن وطی به شبهه محقق نمی‌شود. اگرچه عقد فاسدی صورت گرفته باشد و همچنین وطی با زنی که به عقد موقت درآمده، موجب احصان نمی‌گردد.

- مرد صبح و شام بتواند از حلیله‌ی خود بهره‌ی جنسی ببرد

بنابراین اگر مرد در فاصله‌ی دور از زن باشد، به گونه‌ای که صبح و شام به او دسترسی نداشته باشد یا آن که مرد در زندان باشد و نتواند به زن دست یابد، آن مرد محصن نخواهد بود. حتی اگر پیش از آن، با زن نزدیکی کرده باشد و آن جا که از زن دور است، فرقی نمی‌کند که فاصله‌ی آن‌ها به اندازه‌ی مسافت شرعی که موجب شکسته شدن نماز می‌شود، باشد یا کمتر باشد.

- این که اصابت به فرج معلوم باشد

علم به اصابت، به دو صورت محقق می‌شود:

اقرار خود مرد، اقامه‌ی بینه بر آن. ولی صرف خلوت کردن مرد با زن یا بچه آوردن زن، دلیل وقوع اصابت نخواهد بود. (عاملی جبعی، ج ۲)

نکته‌ای که در پایان این قسمت قابل ذکر است، این است که شهید ثانی دسترسی داشتن به وطی را تنها در احصان مرد شرط دانسته نه در زن و به عبارت دیگر از جمله



شرایط احسان مرد این است که امکان وطی و جماع با همسرش داشته باشد. امام این شرط را برای زوجه جهت احسان او لازم نمی داند.

امام خمینی در این خصوص می فرماید:

در محصنه بودن زنای زن نیز همه ی این شرایط معتبر است.

لذا اگر شوهرش صبح و شام در اختیارش نباشد و زنا بدهد، سنگسار نمی شود و همچنین اگر دخولی در او صورت نگرفته باشد و یا اگر بالغه و عاقله نباشد و نیز اگر متعهی دیگری بوده باشد و زنا بدهد، باز هم زنایش محصنه نیست. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۵۸)

آیت الله گلپایگانی نیز نظرش موافق نظر امام است و می گوید اگر زن دسترسی به شوهر نداشته، در حالی که شوهر به او دسترسی داشته و خود را مخفی نموده و بیش از پنج ماه بوده که سر وقت نیامده، در این شرایط زن مرتکب زنا شود، محکوم به زنای محصنه نیست.

(گلپایگانی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۹۳)



۳. مصادیق زنای مستوجب کیفر رجم

در این مبحث به بررسی مصادیق زنای مستوجب کیفر رجم پرداخته می شود. شارع برای زنا، اقسامی از حدود را تعیین کرده است که از جمله ی این حدود، رجم یا سنگسار است. برای زانی یا زانیه، شارع مقدس در این تقسیم بندی شرایط و اوضاع و احوال مرتکب را در نظر گرفته و بر اساس موقعیت جرم ارتكابی او، کیفر مناسب را تعیین نموده است.

در این جا چون زانی یا زانیه می توانسته اند از طریق مشروع، میل به شهوت خود را مهار نمایند، اما با این وجود مرتکب این فعل حرام گشته اند. لذا مجازاتی شدیدتر از سایر حدود زنا نسبت به آن ها اعمال می شود.

– زناى مرد محصن

از جمله مصادیق زناى مستوجب کیفر رجم، زناى مرد محصن است؛ یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده، جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد، با او جماع کند. در واقع می‌توان گفت: فقها از جمله مصادیق زناى مستوجب کیفر رجم را زناى مرد محصن دانسته‌اند و در این خصوص متفق القولند.

شهید ثانی معتقدند هرگاه مرد محصن با زن بالغ و عاقل زنا کند، خواه آن زن آزاد باشد یا کنیز باشد و خواه مسلمان باشد یا کافر، سنگسار می‌شود. (عاملی جعی، ج ۲، ص ۳۳۵) صاحب جواهر هم بیان داشته‌اند که:

رجم واجب می‌شود بر محصن و محصنه‌ای که بالغ و عاقل باشند. (نجفی، ج ۴، ص ۳۱۸) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت زناى مرد محصن یعنی مردی که دارای همسر واجد شرایط باشد و با این حال زنا کند که در این صورت مستوجب کیفر رجم خواهد بود.

– زناى زن محصنه با مرد بالغ

یکی دیگر از مصادیق زناى مستوجب کیفر رجم، زناى زن محصنه است. بدین معنا که زنی دارای شرایط احسان است و با این حال مرتکب زنا می‌شود، کیفرش رجم خواهد بود. با توجه به آیه‌ی ۲ سوره‌ی نور که می‌فرماید:

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»

باید هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره‌ی آن‌ها رأفت و ترحم روا مدارید؛ اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند.



حضرت امام در این خصوص بیان می‌دارد:

«سنگسار یا رجم، واجب است آن را در مورد زن محصنه یعنی دارای شوهر که به مردی بالغ و عاقل زنا بدهد، اعمال کنند.» (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۳۶) و زنا ی محصنه ی نابالغ، مستوجب رجم نیست؛ بلکه تعزیر دارد.

۴. طریقه ی اجرای حکم

هدف اصلی در مورد اجرای حکم در حضور دیگران، علاوه بر تنبیه مجرم، اثر بازدارندگی آن نسبت به دیگران است. به ویژه برخی از جرم ها که نشان از بی باکی مجرم و عذرناپذیری از سوی او دارد و خطر بنیان کنی نسبت به جامعه دارد که زنا ی محصنه از آن نمونه است؛ زیرا ارضای غریزه برای او امکان داشته و اقدام او، خیانت به نظام خانواده می- باشد و با توجه به رفت و آمدهای خانوادگی، اگر مجازات چنین جرمی سنگین نباشد، عوارض غیر قابل پیش بینی در انتظار خانواده ها خواهد بود.

بعد از این که زنا ی مستوجب کیفر رجم ثابت گردید، نوبت به اجرای این کیفر می رسد. با توجه به اصل شخصی بودن مجازات که اصل پذیرفته شده ای است، مجازات بر مرتکب جرم اعمال خواهد شد؛ به عبارت دیگر مسئولیت بر عهده ی کسی مستقر می شود که مرتکب جرم شده است؛ بنابراین در این گفتار سعی شده است کلام فقها درباره ی طریقه ی اجرای رجم بیان شود. فقها در مورد کیفیت اجرای رجم، نظراتی را ارائه نموده اند که به بررسی آن ها پرداخته می شود. در رابطه با کیفیت و شرایط اجرای این کیفر آمده است که مرد تا لگن خاصره و نه بیشتر و زن را تا کمر در گودال دفن می کنند و اگر مرتکب مرد باشد و با اقرار ثابت شده باشد، اولین سنگ را امام بر او می زند و بعد از آن، سایر مردم و اما اگر با بیینه ثابت شده باشد، اول شهود، بعد امام و سپس سایر مردم.



در این باره امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«تُدْفَنُ الْمَرْأَةُ إِلَى وَسْطِهَا إِذَا أَرَادُوا أَنْ يَرْجُمُوهَا وَ يَرْمِي الْإِمَامَ ثُمَّ يَرْمِي النَّاسَ بَعْدُ بِأَحْجَارٍ صِغَارٍ» (حر عاملی، ج ۲۸، ص ۹۹)

درباره‌ی زن تا کمر در خاک دفن می شود و ابتدا به وسیله‌ی امام و سپس توسط بقیه‌ی مردم، با سنگ های کوچک سنگسار می شود. و نیز می فرماید:

«إِذَا أَقْرَأَ الزَّانِي الْمُحْصَنُ كَانَ أَوَّلُ مَنْ يَرْجُمُهُ الْإِمَامَ ثُمَّ النَّاسَ فَإِذَا قَامَتْ عَلَيْهِ الْبَيْتَةُ كَانَ أَوَّلُ مَنْ يَرْجُمُهُ الْبَيْتَةُ ثُمَّ الْإِمَامَ ثُمَّ النَّاسَ» (حر عاملی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲۸، ص ۹۹)

در صورتی که زنا‌ی محصنه با اقرار ثابت شده باشد، اول کسی که شروع به سنگسار می کند، امام و سپس مردم هستند و در صورتی که زنا‌ی محصنه با شهادت شهود ثابت شده باشد، اول شاهدان، سپس امام و بعد از آن مردم اجرای حکم می کنند.

امام خمینی بیان می دارند که سزاوار آن است که حاکم وقتی می خواهد حد را اجرا کند، به مردم اعلام کند تا همه جمع شوند و حضور به هم رسانند. بلکه سزاوارتر آن است که به صرف اعلان اکتفا ننموده و دستور صادر کند تا از خانه ها بیرون آیند و ناظر اجرای حد باشند و احتیاط آن است که طائفه ای از مؤمنین که حداقل سه نفر باشند، حاضر شوند و بهتر است که سنگ ها کوچک باشند و جایز نیست که با ریگ های کوچک که کلمه ی سنگ بر آن - ها صادق نیست، او را سنگسار کنند و همچنین جایز نیست با سنگ های بزرگ که یکی یا دو تایی آن او را می کشد، بزنند.

احتیاط آن است که کسانی که مثل آن حد را به گردن دارند، مخصوصاً کسانی که همان گناهی را که محکوم مرتکب شده است، مرتکب شده اند، در اجرای حد حاضر



نشوند. ولی اگر بین خود و خدا از آن گناه توبه کرده باشند، می‌توانند حاضر شوند. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۶۶)

شهید اول در این خصوص بیان داشته که در رجم زن را تا سینه و مرد را تا کمر در خاک دفن کنند و شایسته است که مردم را از اجرای سنگسار آگاه کنند و شایسته است که سنگ‌ها کوچک باشند تا کسی که سنگسار می‌شود، زود هلاک نشود. (مکی‌العاملی، ج ۲، ص ۲۲۵)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کیفیت اجرای رجم، با توجه به کلام فقها، آن است که زن را تا سینه و مرد را تا کمر در گودال قرار می‌دهند و اگر زنا با اقرار ثابت شده باشد، اولین سنگ را امام و بعد از آن سایر مردم و اگر با بیینه ثابت شده باشد، اولین سنگ را شهود و بعد امام و سپس سایر مردم می‌زنند و سنگ‌ها نباید آنقدر کوچک باشند که به آن‌ها سنگ نگویند و نه آنقدر بزرگ که با یک یا دو سنگ، مجرم هلاک شود.

امکان جایگزینی حکم سنگسار

در رابطه با اجرای حکم در حدود بطور اخص، اجرای حکم در کیفر رجم در زمان ما اختلاف نظر وجود دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

این مبحث که آیا در زمان ما حدود به طور عام و رجم به طور اخص، باید اجرا گردد یا نه، از جمله مباحثی است که بین فقها اختلاف نظر به وجود آورده است و در واقع فقها را به دو دسته‌ی مقابل هم قرار داده است، یک دسته موافق با اجرای حدود مانند سایر مجازات‌ها هستند و دسته‌ی دیگر مخالف با اجرای حدود در زمان ما هستند و استدلال‌های هر دو دسته، ریشه و مبنای فقهی دارد.

مخالفین معتقدند کسی که مرتکب جرائم حدی باشد، نباید مجازات آن بر او اجرا گردد و بجای آن، باید او را تعزیر کرد؛ زیرا اجرای حکم حدود از جمله رجم، مختص زمان حضور



امام است و ریشه ی این سخن، در کلام برخی از فقهای گذشته موجود است. مثلاً از ابن زهره و ابن ادریس چنین نقل شده است که حدود در زمان غیبت اجرا نمی شود. (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۲۱، ص ۳۹۴)

مرحوم محقق نیز گاهی کلامش را به صورت تردید و گاهی به صورت (قیل) آورده است که اقامه ی حدود به دست فقیه جامع شرایط جایز است. (محقق حلی، ج ۱، ص ۳۱۲)

موافقین اجرای حدود معتقدند که حدود همانند سایر مجازات ها باید اجرا گردد و تعطیلی آن موجب نقض غرض و اختلال در نظام اجتماعی اسلام می گردد. مرحوم نجفی در این باره می فرمایند:

«شگفتا که بعضی در این امر وسواس به خرج می دهند، بلکه گویی این افراد، نه چیزی از طعم فقاقت چشیده اند و نه از لحن گفتار ائمه: و رموز کلمات آنان چیزی فهمیده اند. در حالی که مسأله از واضحات است و نیازی به اقامه ی دلیل ندارد و همچنین معتقد است مشهور امامیه برآنند که اشخاص واجد شرایط عدالت و اجتهاد می توانند در زمان غیبت بر افراد مرتکب جرائم حدی، حدود شرعیه را اجرا سازند.» (نجفی، ج ۲۱، ص ۳۹۴)

امام خمینی نیز موضوع را در دو مسأله در کتاب تحریر الوسیله در آخر بخش امر به معروف و نهی از منکر بیان داشته است:

مسأله ی ۱: «لیس لاحد تکفل الامور السیاسیة کاجراء الحدود و القضائیه و المالیه کاخذ الخراجات و مالیات الشرعیة الامام المسلمین و من نصبه ذلک»؛ (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۸)

هیچ کس نمی تواند امور سیاسی مانند اجرای حدود و قضاوت و مالیه نظیر اخذ خراجات و مالیات های شرعی را متکفل گردد مگر امام مسلمین (علیه السلام) و کسی که از سوی او منصوب است.



مسأله ی ۲: «فی عصر غیبة ولی الامر و سلطان العصر (عجل الله فرجه الشریف)، یقوم نوابه العامة و هم الفقهاء الجامعون لشرائط الفتوی و القضاء مقامه فی اجزاء السياسات و سائرھا للامام (علیه السلام) البدأه بالجهاد؛ (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۸)

در عصر غیبت حضرت ولی امر و سلطان عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)، نواب عامه ی آن حضرت که از فقهای جامع الشرائط قائم مقام او می باشند و آن ها تمام امور سیاسی مگر جهاد ابتدایی را اجرا می سازند.

در مقابل این دسته از فقها، گروه دیگری هستند که قایل به تعطیلی حدود در زمان غیبت هستند که از مهم ترین آن ها می توان از علامه حلی که از متقدمین هستند و آیت الله خوانساری که از متأخرین می باشند، نام برد. محتوای نظرات این دسته از فقها این است که حدود باید در زمان حضور امام توسط امام و یا کسی که منصوب از جانب امام است، اجرا گردد و در زمان غیبت، کسی نمی تواند حدود شرعیه را اجرا نماید. (جمشیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲-۱۴۱)

گرچه این تأمل را می توان چنین رفع کرد که فقیه جامع الشرائط نیز به دو دلیل، مأذون از طرف امام است: این که ادله ی ولایت فقیه، این مطلب را اثبات می کند، دوم این که روایاتی داریم که مأذون بودن فقیه جامع الشرائط را در اقامه ی حدود اثبات می -کند؛ مانند: روایت امام صادق(علیه السلام) در جواب کسی که سؤال کرد: اقامه ی حدود به دست کیست؟ سلطان یا قاضی؟ امام فرمود:

«اقامة الحدود الی فی الیه الحکمة»؛ اقامه کردن حدود به دست کسی است که حکم به

دست اوست. «من الیه الحکم» همان فقیه جامع الشرائط است. (حر عاملی، ج ۲۸، ص ۴۹)



این دسته از فقها بر سر این که حدود باید توسط مرجع صالح اجرا شود، اختلاف نظر ندارند ولی اختلاف بر سر شخص صالح است و معتقدند که در صورت ارتکاب جرم، حد را نباید بر مرتکب اجرا نمود، بلکه باید او را تعزیر نمایند و کم و کیف آن به نظر حاکم باشد. (جمشیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲-۱۴۱)

نکته ای که قابل بحث است، این است که آیا می توان کیفر رجم را به کیفیت دیگری اعمال نمود که مورد انتقاد دشمنان اسلام قرار نگیرد؟

در شرایط فعلی در صورتی که بپذیریم تمامی افراد جامعه، اعم از عامی و باسواد، تمام شرایط و احکام رجم را می دانند، اما در عمل در حین اجرای این کیفر، باز هم ممکن است بین مصلحت جامعه و اجرای این کیفر، تعارض پیش آید. بطوری که اجرای آن، احساسات برخی از مردم را جریحه دار نماید. در این خصوص نظر برخی از علمای اسلامی را جویا شده و در این زمینه استفتائاتی به عمل آمده است.

از حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی در خصوص اعمال کیفر رجم در شرایط و موقعیت کنونی سؤال شد. ایشان بدین نحو پاسخ دادند:

«با توجه به شرایط خاصی که در عصر زمان ما حاکم است و مشکلاتی که بیگانگان از این نظر برای اسلام و مسلمین فراهم می کنند، ما معتقدیم که می توان مسأله ی رجم را فعلاً به اعدام به صورت و کیفیت دیگری کرد که مشکل ساز نباشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۹۰)

همچنین از حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی نیز استفتائات به شرح ذیل به عمل آمد. نظر ایشان را درباره ی اعمال کیفر رجم زانی یا زانیه ی زناکار جویا شدند.

ایشان فرمودند: «زانی یا زانیه، اگر محصن باشند، رجم می شوند و این از احکام

منصوصه می باشد.»



– تعریف اقرار و کمیت و کیفیت آن

فقه‌ها یکی از ادله‌ی اثبات حد زنا را اقرار دانسته‌ند:

«مَنْ أقرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِحَدِّ أَقِيمَتِ عَلَيْهِ إِلَّا الرَّجْمَ»؛ (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۱۹)

کسی که اقرار کند بر نفس خود به حدی، حد بر او اقامه می‌شود مگر در رجم. برخی از فقها گفته‌اند که اقرار به زنا، در صورتی نافذ است که در چهار مجلس واقع شود و مستند ایشان هم روایت ماعذ بن مالک انصاری است.

این حدیث حاکی از آن است که ماعز در چهار موضع نزد پیامبر (صلی الله و علیه و آله) آمد و هر بار پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) او را به شک و تردید می‌انداخت و اراده‌اش را بر اقرار به زنا متوقف می‌ساخت.

شهید ثانی در رد استدلال این دسته از فقها بیان داشته است که این روایت، دلالتی بر اشتراط تعدد مجالس نمی‌کند و تعدد مجالس اقرار در این روایت اتفاقی بوده است و غرض پیامبر این بوده که اقرار به چهار مرتبه برسد و عدد معتبر از اقرار تحقق یابد نه تعدد مجالس اقرار. (عاملی جیبی، ج ۲، ص ۳۵۰-۳۴۹)

در مفاتیح الشرایع نیز آمده که زنا با چهار بار اقرار ثابت می‌شود و نسبت به تعدد مجالس در اقرار دو قول است که اظهر، عدم تعدد مجالس است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۲، ص ۶۶)

بنابراین در مورد اثبات زنا توسط اقرار، باید اقرار چهار مرتبه صورت گیرد.

– انکار بعد از اقرار

انکار بعد از اقرار، در جایی سبب ساقط شدن حد می‌شود که در مورد رجم باشد و اگر

غیر حد رجم باشد، انکار بعد از اقرار، سبب ساقط شدن حد نمی‌شود.



در مورد اعمال کیفر رجم در شرایط و موقعیت کنونی سؤال گردید. ایشان فرمودند: «حکم اولیه‌ی زناى محصنه، رجم است. ولی اگر حاکم شرع تشخیص دهد که با اجرای رجم، فتنه‌ای ایجاد می‌شود، می‌تواند حکم را تبدیل کند.»

همچنین از ایشان درباره‌ی علت و فلسفه‌ی این امر که هنگام کیفر رجم، مرد را تا کمر و زن را تا سینه دفن می‌کنند، پرسیده شد. ایشان فرمودند:

«ظاهراً این نحوه‌ی قرار دادن برای مرد و یا زن در حفره، به جهت آن است که زن، بدنش عورت است و برای حفظ نظر و امثال آن، اسلام دستور فرموده که تا سینه در حفره قرار داده شود.»

از نظرات فقها می‌توان به این نتیجه رسید که باید حکم رجم اجرا گردد. مگر این که بازتابی داشته باشد که به ضرر اسلام و مسلمین باشد که در این صورت می‌توان آن را تبدیل کرد. البته این تبدیل حکم به وسیله‌ی حاکم شرع می‌باشد نه کس دیگری. (جمشیدی، ص ۱۴۲-۱۴۱)



ب. ادله‌ی اثبات زنا

دین مقدس اسلام برای ثابت شدن جرم و جنایت، راه‌هایی را مقرر فرموده است که در برخی موارد، اجتماع همه‌ی آن راه‌ها کار آسانی نیست و اما اسباب عبارتند از: اقرار، شهادت شهود و علم قاضی که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. اقرار

یکی از راه‌های اثبات زناى محصنه‌ی مستوجب سنگسار، اقرار است. اگر شخص عاقل، بالغ، مختار و قاصدی در چهار مرحله‌ی متفاوت، نزد حاکم در فضایی کاملاً آزادانه به زنا اقرار کند، زناى او ثابت می‌شود. در این مجال، مباحثی از قبیل تعریف اقرار، کمیت و کیفیت آن، انکار بعد از اقرار و توبه‌ی بعد از اقرار تبیین می‌گردد.

محقق حلی در این مورد بیان داشته اند که اگر اقرار به امری کند که موجب رجم است و سپس آن را انکار نماید، رجم ساقط است. ولی اگر اقرار به حدی غیر از رجم نماید و سپس انکار نماید، حد ساقط نمی‌شود. (محقق حلی، ج ۲، ص ۹۳۵)

در مبانی تکمله منهج آمده است:

«لَوْ أَقَرَّ الشَّخْصُ بِمَا يُوجِبُ رَجْمِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ يَسْقُطُ عِنْدَ الرَّجْمِ دُونَ الْحَدِّ وَ لَوْ أَقَرَّ بِمَا يُوجِبُ الْحَدَّ غَيْرَ الرَّجْمِ ثُمَّ أَنْكَرَ لَمْ يَسْقُطْ»؛ (موسوی خوئی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۷۶)

اگر شخصی اقرار کند آنچه را که موجب رجم است و سپس انکار نماید، رجم از او ساقط می‌شود نه حد دیگری و اگر اقرار کند آنچه را که موجب حدی غیر از رجم است، سپس آن را انکار نماید، از او ساقط نمی‌شود.»

نهایت این که انکار بعد از اقرار به رجم که پذیرفته شده است، دلیل آن اجماع است و مستند آن جمله‌ی امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرمایند:

«مَنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ أَقِيمٌ عَلَيْهِ الْحَدُّ إِلَّا الرَّجْمَ فَإِنَّهُ إِذَا أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ ثُمَّ رَجَعَ لَمْ يَرَجِمْ»؛ (حر عاملی، ج ۱۶، ص ۳۱۹)

کسی که اقرار کند بر نفس خود، حد بر او اقامه می‌شود مگر در رجم، هنگامی که اقرار بر نفس خود بکند، سپس آن را انکار نماید، رجم ساقط می‌شود.

– توبه‌ی بعد از اقرار

اگر شخصی بعد از اقرار و ثبوت جرمش توبه کند، امام مخیر است بین این که او را رجم نماید یا عفو که در این مجال به بررسی کلام فقها پرداخته می‌شود. صاحب جواهر در خصوص توبه‌ی بعد از اقرار بیان می‌دارد: اگر اقرار به حدی کرد و سپس توبه کرد، امام مخیر است در اقامه‌ی جلد یا رجم. (نجفی، ج ۴، ص ۲۹۳)



در تحریر الوسیله آمده است:

اگر اقرار کند به حدی و سپس توبه کند، امام حق دارد که او را عفو کند. همان طور که حق دارد حد را بر او جاری کند؛ اعم از این که حدش سنگسار باشد یا غیر از آن. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۰)

در مبانی تکمله منهای بیان شده است:

«لَوْ أَقْرَبَ بِمَا يُوجِبُ الْحَدَّ مِنَ رَجْمٍ أَوْ جَلْدٍ كَانَ الْإِمَامُ الْعَفْوُ وَ عَدَمُ إِقَامَةِ الْحَدِّ عَلَيْهِ وَ قَيْدُهُ الْمَشْهُورُ بِمَا إِذَا تَابَ الْمُقْرَرُ وَ دَلِيلُهُ غَيْرُ ظَاهِرٍ»؛ (خوئی، ج ۱، ص ۱۷۸)

«بدین معنا که اگر اقرار کند به آنچه که موجب حد از رجم یا جلد است، امام می تواند او را عفو کند و بر او حد اقامه نکند. مشهور گفته اند مقصود وقتی است که مقرر توبه کند و گفته است که دلیل آن، غیر ظاهر است.

شهادت ثانی معتقد است:

اگر مقرر اقرار کند و بعد توبه نماید، امام در اجرای حد بر او مخیر است؛ خواه سنگسار باشد یا غیر آن و نیز بیان داشته که هرگاه توبه، حتمیت کیفر شدید مقرر را ساقط کند، به طریق اولی، حتمیت کیفر خفیف تر را ساقط خواهد کرد. (عاملی جبعی، ج ۲، ص ۳۵۱)

در شرایع الاسلام آمده است:

اگر مقرر به حدی اقرار کند و سپس توبه نماید، امام مخیر است در اقامه‌ی حد؛ اعم از اینکه رجم باشد یا جلد. تفاوتی که بین توبه‌ی قبل از اقرار با توبه‌ی بعد از اقرار وجود دارد، این است که توبه‌ی قبل از اثبات، حد را ساقط می‌کند و قاضی در صورتی که توبه را صحیح تشخیص دهد، دیگر نمی‌تواند مرتکب را مجازات کند؛ اما در توبه‌ی بعد از ثبوت جرم با اقرار، این اثر مستقیم وجود ندارد و توبه، در صورتی موجب سقوط حد می‌گردد که قاضی اگر صلاح بداند، تقاضای عفو او را از ولی بنماید. (شیری، ۱۳۷۲، ص ۸۵)



۲. شهادت شهود

گواهی (شهادت دادن)، دارای شرایط عمومی زیادی است که بررسی همه ی آن ها بسیار مفصل می باشد؛ اما آنچه به طور خاص و به صورت اجمالی در این جا بدان اشاره می-کنیم، این است که شهود باید مرد و عادل باشند که ارتباط جنسی مذکور را با تمام خصوصیات به چشم خود دیده باشند؛ بنابراین در این جا مباحثی از قبیل تعریف شهادت، کمیت و کیفیت آن، شرایط شهود و توبه‌ی قبل و بعد از شهادت شهود بررسی می گردد.

- تعریف شهادت و کمیت و کیفیت آن

فقها یکی از ادله ی اثبات زنا ی مستوجب کیفر رجم را شهادت می دانند که برای شهود، نحوه و کمیت آن ها شرایطی را ذکر کرده اند که به بررسی و مطالعه ی آن ها می پردازیم.

شهید ثانی در خصوص شهادت و کمیت و کیفیت آن چنین بیان داشته اند که نصاب معتبر در شهادت بر زنا، عبارت است از چهار مرد یا سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن؛ اگرچه در صورت اخیر، تنها تازیانه ثابت می شود نه سنگسار و اگر شهود، کمتر از نصاب معتبر باشد، شهود تازیانه می خورند به خاطر دروغ بزرگ؛ زیرا خداوند متعال کسی را که نسبت زنا به مسلمانی داده و در عین حال، شهود لازم را برای اثبات زنا نیاورده است، دروغگو خوانده است و شهود باید زنا را مشاهده کرده باشند، (همچون داخل کردن میل در سرمه دان) و همچنین شرط است که شهود، هنگام اقامه ی شهادت، جمع باشند و یکباره شهادت دهند؛ بدین معنا که از نظر عرف، شهادت ها با فاصله صورت نگیرد، نه آن که همه شهود با هم عبارت دال بر شهادت را تلفظ کنند.

اگر برخی از شهود، شهادت دهند و برخی دیگر نیابند بر شهود، حد جاری می شود و منتظر سایر شهود نمی مانند که بیابند و نصاب کامل باشد؛ زیرا در اجرای حد، نباید تأخیر



آن جا که شاهد اول پیش از حاضر شدن دیگر شاهدان حد می‌خورد، اگر سایر شهود پس از شهادت شاهد اول بیایند و شهادت بر زنا دهند، آنان نیز حد می‌خورند، چون شرط پذیرفته شدن شهادت در شاهدان بعدی نیز مانند شاهد اول، منتفی است. (عاملی جعی، ج ۲، ص ۳۵۱)

محقق حلی نیز در شرایع، شهادت چهار مرد را در اثبات زنا کافی می‌داند یا شهادت سه مرد و دو زن. وی معتقد است که شهادت زنان به تنهایی قابل پذیرش نیست و شهادت دو مرد و چهار زن فقط جلد را ثابت می‌کند نه رجم را و اگر کمتر از چهار نفر شهادت بدهند، حد واجب نمی‌شود و هر کدام نیز حد می‌خورند. (محقق حلی، ج ۲، ص ۹۳۵)

امام صادق(علیه السلام) فرموده‌اند که:

«حد رجم هنگامی ثابت است که چهار شاهد داخل و خارج شدن را دیده باشند، مثل میل در سرمه دان.» (حرعاملی، ج ۱۸، ص ۳۷۲)

در کتاب فقه حدود و تعزیرات آمده است که در اقامه‌ی شهادت بر زنا، اثبات می‌شود با چهار نفر عادل از مردان و پذیرفته نمی‌شود شهادت زنان به تنهایی.

پس اگر شهادت بدهند سه مرد و دو زن، شهادت آن‌ها پذیرفته می‌شود و با شهادتشان رجم واجب می‌شود. (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۴)

بنابراین جرم زنا با شهادت چهار مرد واجد شرایط به اثبات می‌رسد و ریشه‌ی این اتفاق، قرآن مجید است.

نمونه‌ی اول:

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْأَفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ»؛ (نساء/ ۱۵)

از زنان آن‌هایی که مرتکب عمل شنیع زنا می‌شوند، برای اثبات آن لازم است چهار مرد از شما، متصدی شهادت و گواهی بر آنان شوند.



نمونه‌ی دوم:

«وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ * إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (نساء / ۵-۴)

«کسانی که زنان عیفته را متهم به زنا می کنند، پس از اقامه ی چهار گواه مرد بر اتهام مذکور، می توان کیفر آن ها که هشتاد ضربه ی تازیانه است را بر آنان اجرا نمود و هرگز گواهی آنان را نپذیرید و آنان به جهت افتراء، فاسقند. * مگر کسانی که بعداً توبه کنند و عمل صالح انجام دهند که بدون تردید، خداوند متعال آمرزنده و مهربان است.»

- شرایط شهود

گواهی (شهادت دادن) دارای شرایط عمومی زیادی است که بررسی همه ی آن ها بسیار مفصل بوده و در ابواب مستقل روایی بررسی می شود؛ اما آنچه به طور خاص به صورت اجمالی در این جا بدان اشاره می کنیم، این است که شهود باید مرد و عادل باشند و در مورد شرط عدالت شاهد، باید گفت عادل یعنی مسلمانی که مرتکب گناه کبیره نمی شود و بر گناه صغیره نیز اصرار ندارد.

شهید اول در رابطه با شرایط شهود در لمعه ی دمشقیه بیان می دارد، شرایط شهود به این شرح است:

- بالغ باشد، عاقل باشد، شرط دیگر این است که مسلمان باشد، گرچه بنا بر قول اصلح، شخصی که علیه او شهادت داده می شود، کافر باشد.

- ایمان و عدالت، عدالت با ارتکاب گناه کبیره و با اصرار ورزیدن بر گناه صغیره و با ترک

مروت زایل می شود.



- طهارت مولد، حلال زاده بودن و عدم تهمت (شهادت در مقام جلب منفعت شخصی و یا دفع ضرر فردی نباشد) و شهید نیز می افزاید که شرایط شهادت در وقت شهادت دادن معتبر است نه در هنگام تحمل شهادت (مشاهده). (عاملی جبعی، ج ۱، ص ۱۸۶)

- توبه‌ی قبل و بعد از شهادت شهود

توبه در بعضی موارد مؤثر شناخته می‌شود و موجب سقوط مجازات می‌گردد. پذیرش توبه نه تنها در زنا، بلکه در جرائم دیگری از قبیل سرقت، محاربه و امثال آن در قرآن کریم پذیرفته شده و فرضاً در آیه‌ی ۴۲ سوره‌ی مائده و آیه‌ی ۳۷ همین سوره، توبه پذیرفته شده است.

توبه باید حقیقی و باطنی و به معنی پشیمانی قلبی باشد تا موجب سقوط مجازات گردد. در غیر این صورت اگر توبه به قصد فرار از مجازات باشد، مؤثر نخواهد بود و موجب سقوط کیفر نخواهد بود.

لذا این امر به عهده‌ی قاضی است که با توجه به اوضاع و احوال شخص و سایر قضایا برای او احراز گردد که آیا توبه به قصد فرار از کیفر است و یا به قصد پشیمانی و ندامت بوده است. (جمشیدی، ص ۱۱۱)

شهید ثانی در این رابطه معتقد است که توبه‌ی قبل از اقامه‌ی بینه توسط زانی، حد را ساقط می‌کند؛ اعم از این که تازیانه باشد یا سنگسار. بنا بر مشهور و اگر پس از اقامه‌ی بینه توبه کند، بنا بر مشهور حد از او ساقط نمی‌شود؛ زیرا با قیام بینه، حد ثابت شده و اصل آن است که حد ساقط نمی‌شود و برخی گفته‌اند که امام در این که او را ببخشد یا حد را بر او جاری سازد، مخیر است. (عاملی جبعی، ج ۲، ص ۳۱۸)



محقق حلی نیز توبه را بعد از اقامه‌ی بینه، موجب سقوط حد اعم از رجم یا غیر آن نمی داند و قبل از اقامه‌ی بینه، توبه را موجب سقوط حد می‌داند. (محقق حلی، ج ۲، ص ۹۳۶) در تحریر الوسیله آمده است که:

«يَسْقُطُ الْحَدُّ لَوْ تَابَ قَبْلَ قِيَامِ الْبَيِّنَةِ رَجْمًا كَانَ أَوْ جَلْدًا وَلَا يَسْقُطُ لَوْ تَابَ بَعْدَهُ وَ لَيْسَ

الْإِمَامُ أَنْ يَعْفُوَ بَعْدَ قِيَامِ الْبَيِّنَةِ»؛ (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۲)

اگر مجرم قبل از تمام شدن شهادت شهود، توبه کند، حد از او ساقط می‌شود؛ اعم از این که حدش سنگسار باشد یا تازیانه. ولی اگر بعد از تمامیت بینه توبه کند، ساقط نمی‌شود. صاحب جواهر معتقد است که توبه قبل از اقامه‌ی بینه، موجب سقوط حد می‌شود و اگر توبه بعد از اقامه‌ی بینه باشد، حد یا رجم ساقط نمی‌شود. (نجفی، ج ۴، ص ۳۱۸)

در مبانی تکمله منهای نیز آمده است که اگر توبه قبل از اقامه‌ی بینه باشد، مشهور سقوط حد است؛ اما اگر بعد از اقامه‌ی بینه توبه کند، حد از او ساقط نمی‌شود. (خوئی، ج ۱، ص ۱۸۵) «در مورد پذیرش توبه قبل از اثبات جرم، باعث ساقط شدن مجازات می‌شود؛ اما در مورد قبول توبه بعد از پذیرش و اثبات جرم، اختلاف دیده می‌شود.

در مفاتیح الشرایع هم در این خصوص بیان شده است: هنگامی که توبه کند، قبل از اقامه‌ی بینه حد ساقط می‌شود. هنگامی که عقوبت اخروی ساقط شد، به طریق اولی عقوبت دنیوی هم ساقط می‌شود و هنگامی که توبه کرد بعد از اقامه‌ی بینه، مشهور این است که حد ساقط نمی‌شود. شیخ مفید و محقق حلی خلاف این را گفته اند که امام مخیر است بین اقامه‌ی حد یا عفو او.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۲، ص ۶۸)

با توجه به موارد گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً هر کدام از زن یا مرد زانی که توبه کنند، قبل از اقامه‌ی شهادت حد از او ساقط می‌شود؛ بنابراین اگر فقط مرد یا



زن توبه کند، فقط حد از او ساقط می‌شود، یعنی کسی که توبه کرده، حد از او ساقط می‌شود نه از هر دو نفر آن‌ها.

ثانیاً توبه‌ای که موجب سقوط حد می‌شود، توبه‌ای است که برای قاضی احراز شود به قصد فرار از حد نیست، بلکه پشیمانی قلبی از آن گناه است.

ثالثاً توبه‌ای موجب سقوط حد می‌شود که قبل از اقامه‌ی شهادت باشد، چنانچه توبه بعد از اقامه‌ی شهادت صورت گیرد، موجب سقوط حد نیست و حد اجرا خواهد شد.

۳. علم امام و حاکم اسلامی

این مسأله مورد بحث و گفتگو بین علماست که آیا امام (علیه السلام) در تمام دعاوی و مراجعات می‌تواند مطابق علم واقعی خود - در موردی که نه بینه و نه شاهد و قراین دیگری موجود است - حکم کند یا نه؟

عده‌ای از فقها معتقدند که مطلقاً برای امام (علیه السلام) جایز است هم در حقوق الله و هم در حقوق ناس، مطابق علم خود قضاوت کند. همان طور که قرآن مجید می‌فرماید:

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»؛ (ص / ۲۶)

ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه و جانشین قرار دادیم، پس بین مردم به حق حکم فرما.

«وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ»؛ (مائده / ۴۲)

و اگر حکم کردی، پس بین مردم به قسط و عدل قضاوت کن.

«أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»؛ (نساء / ۵۸)

و باید (بین مردم) به عدل حکم کنید.



پس اگر امام(علیه السلام) مطابق علم واقعی خود حکم فرماید، این حکم مطابق حق و عدل و قسط است و آنچه را که قرآن خواسته، پیاده شده است.

حضرت امام(علیه السلام) نیز در این رابطه معتقد است که حاکم می‌تواند در حق الناس و حق الله، به علم خود عمل کند و هر زمانی که یقین به تحقق سبب حد پیدا کند، اجرای حد بر او واجب می‌شود؛ همان طور که با اقرار و با شهادت چهار شاهد، متهم به زنا را حد می‌زنند، در صورتی هم که خودش علم به آن جریان پیدا کند، حد را جاری می‌سازد و صبر نمی‌کند تا کسی اجرای حد را از او مطالبه کند. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۸)

در تکمله منهج در رابطه با علم قاضی آمده است که حاکم می‌تواند به علم خود، اقامه‌ی حد کند در حق الله مثل حد زنا، شرب خمر و سرقت و مانند آن‌ها و اما در حق الناس اقامه‌ی آن متوقف به مطالبه‌ی صاحب حق می‌باشد، اعم از این که حد یا تعزیر باشد. (خوئی، ج ۱، ص ۲۲۷)



ج. موارد سقوط حکم سنگسار و موانع اجرای آن

با وجود همه‌ی شرایط سخت گیرانه درباره‌ی ثبوت و اثبات حکم سنگسار، وقتی با تمام این شرایط، حکم سنگسار ثابت و صادر شد، شرایط اجرایی حکم سنگسار نیز به گونه‌ای است که سیاست خاص اسلام را نشان می‌دهد که بهانه‌های مشروعی را برای اجرا نکردن این حکم پیش بینی کرده است که در برخی موارد حکم ساقط می‌شود و در برخی مواقع نیز توقف حکم صورت می‌گیرد که در این جا به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

۱. موارد سقوط حکم سنگسار

بعد از صدور حکم، محکومیت ممکن است ساقط شود و یا این که در حین اجرا، مواردی پیش آید که منجر به سقوط این کیفر گردد و این نشان دهنده‌ی سیاست خاص اسلام است.

در این گفتار به بررسی این موارد از دیدگاه فقهی می پردازیم:

- فوت محکوم علیه

در اسلام مبنای رفع مسئولیت متوفی، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. چون حق الهی است، گناهی را که خودش مرتکب شده، خودش هم باید مجازات شود. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (بقره / ۱۷۹)

ای صاحبان عقل، برای شما در قصاص حیات است، از قتل یکدیگر پرهیزید.

در آیهی شریفه دلالت بر اصل شخصی بودن مجازات شده است.

علاوه بر این آیه، آیات دیگری نیز وجود دارند که بر اصل شخصی بودن مسئولیت

کیفری در اسلام دلالت می کنند. از جمله:

«وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلِهَآ لَأُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا

قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ

وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»؛ (فاطر / ۱۸)

«هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد و اگر شخصی، سنگینی بار

دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت؛ هر چند از

نزدیکان او باشد. تو فقط کسانی را بیم می دهی که از پروردگار خود در پنهانی می ترسند و

نماز را برپا می دارند و هر کس پاکی پیشه کند، نتیجهی آن به خودش باز می گردد و

بازگشت به سوی خداست.»

با توجه به این آیات قرآنی، مشخص می شود که فقط شخص گناهکار و مجرم باید

مجازات شود و در صورت فوت او حکم ساقط می گردد.



- توبه

یکی دیگر از موارد سقوط کیفر رجم، توبه و پشیمانی مرتکب آن است.

علامه طباطبایی در تعریف توبه می‌فرماید: توبه در لغت به معنی برگشت است و توبه از بنده، برگشت اوست به سوی پروردگارش با پشیمانی و بازگشتش از سرپیچی فرمان خدا و از جانب خداوند نیز توفیق وی به توبه یا آمرزش گناه اوست. (طباطبایی، ج ۴، ص ۳۷۹)

توبه‌ی قبل از اقامه‌ی شهادت

آیات قرآن به طور رسمی، توبه را یکی از موارد سقوط کیفر رجم در دنیا و آخرت دانسته اند که در این جا آیه ای از قرآن کریم بدان اشاره کرده است:

«وَالَّذِينَ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا

رَحِيمًا»؛ (نساء/ ۱۶)

«هر کسی از مسلمانان عمل ناشایست مرتکب شود، چه مرد و چه زن، آنان را به سرزنش و توبیخ بیازارید. چنانچه توبه کردند، دیگر متعرض آن‌ها نشوید که خداوند توبه‌ی خلق را می‌پذیرد و نسبت به آن‌ها مهربان است.»

اکثر مفسران گفته اند که: اگر زانی قبل از ارجاع به دادگاه و ثبوت حکم نزد حاکم شرع، توبه کند حد بر او جاری نمی‌شود و اگر خود نزد حاکم برود و اقرار نماید، قاضی می‌تواند وی را ببخشد یا اجرای حد نماید، ولی اگر جرمش به شهادت شهود ثابت شود، لازم است نسبت به وی اجرای حد نماید. (مدیر شانه چی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۱)

برخی فقها نیز با استناد به روایاتی معتقدند: در صورتی که قبل از اثبات زنا در نزد حاکم، شخص توبه کند و توبه‌ی او محرز شود، امکان عفو از مجازات حد وجود دارد. محقق حلی

در کتاب شرایع می‌گوید:



«مَنْ تَابَ قَبْلَ قِيَامِ الْبَيْتَةِ سَقَطَ عَنْهُ الْحَدُّ وَ لَوْ تَابَ بَعْدَ قِيَامِهَا لَمْ يَسْقَطْ حَدًّا كَانَ أَوْ

رَجْمًا»؛ (عاملی جبعی، ج ۱۴، ص ۳۵۸)

کسی که قبل از شهادت شهود در نزد حاکم، توبه نماید، حد مجازات از او ساقط می-
شود اما در صورتی که بعد از شهادت شهود، توبه کند، حد ساقط نمی‌شود.

توبه بعد از اقرار

از جمله مواردی که موجب سقوط کیفر رجم می گردد، توبه ی بعد از اقرار است و فرقی که بین توبه ی قبل از اقرار و توبه ی بعد از اقرار وجود دارد، در این است که توبه ی قبل از اقرار، موجب سقوط حد است، ولی توبه ی بعد از اقرار این قطعیت را ندارد؛ بلکه بسته به نظر قاضی است که اگر بخواهد، حد را اجرا می‌نماید و یا تقاضای عفو زناکار را از ولی امر مسلمین می‌نماید؛ بنابراین در مورد پذیرش توبه، قبل از دستگیری در بین فقها اختلافی دیده نمی‌شود و همه متفق القولند که توبه ی قبل از اثبات، مسقط مجازات است اما در مورد پذیرش توبه ی بعد از اثبات جرم، اختلاف دیده می‌شود. (شیری، ۱۳۷۲، ص ۷۸)

- انکار بعد از اقرار

از جمله موارد سقوط کیفر رجم، انکار بعد از اقرار است؛ یعنی زمانی که شخصی به زنایی که مستوجب رجم است، اقرار نماید و سپس انکار کند، پذیرفته می‌شود و این انکار، موجب سقوط کیفر رجم است. نکته ی قابل توجه این که انکار بعد از اقرار، مسقط هر نوع حد یا کیفری نیست، بلکه فقط اختصاص به زنای مستوجب کیفر رجم و قتل دارد.

در کتب روایی شیعه روایات متعددی (نزدیک به ده روایت) در بابی با عنوان «بَابُ أَنْ

مَنْ أَقْرَأَ بَعْدَ ثُمَّ أَنْكَرَ لِرِمَّةِ الْحَدِّ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَجْمًا»؛ کسی که به جرم حدی اقرار کند،



سپس انکار نماید، مجازات حدی از او ساقط نمی‌شود مگر در مورد سنگسار، جمع آوری شده است. به یک نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که جرم مستوجب حد او با اقرار ثابت شود و بعد انکار کند، بر او حد جاری می‌کنم؛ مگر در مورد سنگسار که با انکار بعد از اقرار او، حد سنگسار او لغو می‌شود.» (حر عاملی، ج ۲۸، ص ۲۷)

به نظر می‌رسد پذیرفتن این انکار بعد از اقرار، در خصوص زنای مستوجب کیفر رجم و قتل، به دو دلیل است:

اول این که: شبهه‌ی ایجاد شده با انکار بعد از اقرار، مطابق قاعده‌ی «الحدود تدرأ بالشبهات»؛ «حدود با شبهه، دفع می‌شوند.»

دوم این که: رجم و قتل نسبت به سایر حدود، شدیدتر است. لذا شارع خواسته حتی الامکان این کیفر اجرا نگردد. (جمشیدی، ص ۱۴۹-۱۴۸)

۲. فرار شهود و محکوم علیه

از جمله مواردی که موجب سقوط کیفر رجم در حین اجرای این حکم می‌شود، فرار شهود یا محکوم علیه است که این دو مورد را از دیدگاه فقهی بررسی می‌نماییم.

- فرار شهود

همان طور که در فصل پیش گفته شد، زنای مستوجب رجم با شهادت شهود با شرایط مربوط به خود قابل اثبات است و در هنگام رجم، اگر زنا با شهادت شهود ثابت شده باشد، در اجرای حکم سنگسار، اولین اشخاصی که اقدام به اجرای این حکم می‌کنند، کسانی هستند که علیه زناکار شهادت داده‌اند.



فلسفه‌ی این که اولین سنگ توسط شهود انجام شود، این گونه به نظر می‌رسد که با فرار شهود، در واقع شبهه‌ای ایجاد شده است، نسبت به ارتکاب فعل زنا توسط زانی یا زانیه، از طرفی هم حدود با شبهه رفع می‌شود با توجه به قاعده‌ی «الحدود تدرأ بالشبهات»، لذا در چنین حالتی رجم ساقط می‌گردد.

بنابراین اگر یک نفر از شهود، اقدام به پرتاب سنگ نکند و از محل اجرای سنگسار بگریزد، اجرای حکم سنگسار متوقف می‌شود. لازم به یادآوری است در صورتی که یکی از شهود چنین واکنشی انجام دهد، مرتکب عمل حرام یا جرمی نشده است و قابل تعقیب به بهانه‌ی قذف یا افترا و امثال آن نیست. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۸)

- فرار محکوم به رجم از گودال

از جمله مواردی که موجب سقوط کیفر رجم در حین اجرای حکم می‌باشد، عبارت است از فرار محکوم علیه در حین رجم، از گودالی که در آن قرار گرفته است. اگر بعد از اصابت اولین سنگ، شخص زناکار از حفره فرار کند، اجرای حکم متوقف می‌شود و مجرم دیگر قابل تعقیب نیست.

روایات صحیح در این زمینه، متعدد است که به یک نمونه اشاره می‌شود.

از امام صادق (علیه السلام) در مورد کسی که در حال سنگسار از حفره فرار می‌کند، پرسیده شد.

ایشان فرمودند:

«در صورتی که یک سنگ به او اصابت کرده باشد، رهایش کنید. در غیر این صورت، اگر هنوز سنگی با او برخورد نکرده بود، او را برگردانید تا مقداری از عذاب را بچشد.»

(حرعاملی، ج ۲۸، ص ۳۷)



امام خمینی در این باره بیان می‌دارد:

اگر از گودال فرار کند، در صورتی که زنا به وسیله - ی بینه ثابت شده باشد، مجدداً او را برمی گردانند.

ولی اگر از طریق اقرار ثابت شده باشد و فرارش بعد از برخورد سنگ، هر چند یکی باشد، تعقیبش نموده، رهایش می‌سازند و اگر قبل از آن فرار کند، او را برمی گردانند. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۴۹)

همچنین مرحوم نجفی در جواهر الکلام معتقد است که اگر پس از قرار دادن در گودال فرار کند، در صورتی که زنا با بینه ثابت شده باشد یا آن که بنا بر قولی سنگ به او نخورده باشد، او را برمی گردانند. در غیر این صورت برای رجم بازگردانده نمی‌شود. (نجفی، ص ۴۴۹)

بنابراین با توجه به کلام فقها در این مورد می‌توان نتیجه گرفت سقوط رجم در این خصوص، در صورتی است که زنا به وسیله‌ی اقرار ثابت شده باشد و فرار زانی بعد از برخورد سنگ، حتی یکی باشد.

۳. موانع اجرای رجم

علاوه بر مواردی که موجب سقوط این کیفر می‌شوند، موارد دیگری هم پیش می‌آید که موجب توقف اجرای کیفر رجم می‌گردد که در این مبحث، ما به بررسی این موارد از دیدگاه فقهی می‌پردازیم.

با توجه به این که حدود الهی قابل تعطیلی نیستند، اما چون در اجرای حد الهی باید ضرری به غیر مرتکب نرسد، لذا در اجرای حد رجم نسبت به زانیه تحت شرایطی، اجرای حد رجم متوقف می‌شود تا رفع ضرر شود.



-ایام بارداری و نفاس زانیه

فقها طی نظراتی، باردار بودن زانیه را از موارد توقف حکم دانسته‌اند. محقق حلی معتقد است که بر زن باردار، حد و یا قصاص جاری نمی‌شود تا این که زایمان کند و از نفاس خارج گردد و فرزند خود را شیر دهد و اگر برای بچه، سرپرستی پیدا شود، جایز است که حد بر او جاری شود. (محقق، ج ۲، ص ۹۳۸)

امام خمینی در این باره معتقد هستند که زن حامله اگر زنا کند، حد زنا چه تازیانه و چه سنگسار، بر او جاری نمی‌شود مگر بعد از این که وضع حمل نماید و از نفاس خارج شود و حتی اگر اجرای حد به شیر خوردن کودک صدمه بزند، در ایام شیرخوارگی طفل حد را به تأخیر می‌اندازند. همچنین معتقدند که حد رجم، در صورتی که زانی یا زانیه مریض باشد، اجرا می‌گردد و استحاضه، مانع از اجرای حد نخواهد بود. (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۵)

با توجه به کلام فقها می‌توان گفت:

زن در ایام بارداری، سنگسار نمی‌شود و فرقی ندارد در این که او در ایام بارداری زنا کرده باشد یا این که جنینی که در رحم اوست، از زنا باشد و این توقف اجرای حد رجم تا پایان نفاس اوست. البته ممکن است اجرای حد در ایام شیرخوارگی فرزندش به تأخیر بیفتد، در صورتی که سرپرستی برای بچه پیدا نشود.

- توقف اجرای حد در سرزمین دشمن و در حرم

فقها یکی از موارد توقف اجرای حد رجم را اجرای حد در سرزمین دشمن و در حرم می‌دانند. محقق حلی معتقد است که اجرای حد در سرزمین دشمن و بر کسی که به حرم و (مسجدالحرام) پناه برده است، جاری نمی‌شود.



لیکن او را از نظر آب و غذا در تنگنا قرار می دهند تا از حرم خارج شود و حد بر او جاری گردد و حد اعم است از سنگسار و غیر آن. (محقق حلی، ج ۲، ص ۹۳۸)

همچنین مرحوم نجفی هم در این خصوص بیان می دارد، حد در سرزمین دشمن اقامه نمی شود و همچنین در حرم نیز اقامه نمی شود به خاطر حرمت آن. (نجفی، ج ۴۱، ص ۲۴۲)

امام خمینی در این باره می فرماید:

«حد شرعی در سرزمین کفار و در حرم الهی به کسی که بدان جا پناه آورده و به اصطلاح بست نشسته است، جاری نمی شود. لکن از نظر آب و غذا بر او تنگ می گیرند تا مجبور شود به بیرون آمدن. این در صورتی است که در خارج حرم مرتکب گناه شده و سپس به حرم پناه برده باشد، اما اگر در خود حرم مرتکب شده باشد، در همان جا حد را بر او جاری می سازند.» (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۴۶۵)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که برخی از فقهای معاصر، مانند امام خمینی جواز اجرای حد را در حرم صادر نموده اند، به شرط این که در خود حرم، مرتکب جرم زنا شده باشد.

نتیجه بحث

رجم به لحاظ ابعاد و آثاری که دارد، یکی از مهم ترین کیفرهای حدی است که مورد توجه و بحث علما و فقها قرار گرفته است. بنا بر ضرورتی که اجرای احکام اسلامی در جامعه ایجاب می کند، لازم است قواعد و مقرراتی که در این خصوص وضع شده، مدنظر قرار گرفته و تشریح و تبیین گردد.



لذا با توجه به این که رجم از جمله کیفرهای مربوط به زنا می باشد، ابتدا مفهوم و معنای زنا و عکس العمل جوامع مختلف قبل و بعد از اسلام، در برابر این فعل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و سپس بررسی کیفر رجم که یکی از کیفرهای زنا می باشد را مورد مطالعه قرار داده ایم.

کیفر رجم مختص زنای محصن یا محصنه است و زنا عبارتست از: جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است.

زنا در صورتی مستوجب حد به طور عام و رجم به طور اخص است که زانی یا زانیه، بالغ، عاقل، مختار و به حکم و موضوع آن نیز آگاهی داشته باشد که در خصوص مختاریت که نقطه‌ی مقابل اکراه می باشد، بین فقها در این خصوص که آیا اکراه در مرد قابل تحقق است یا نه، اختلاف است.

برخی معتقدند که اکراه در مرد قابل تحقق نیست ولی اکثریت معتقدند که اکراه در مرد همانند زن نیز قابل تصور است.

زنایی که مستوجب کیفر رجم است، به دو طریق اقرار و شهادت شهود قابل اثبات می باشد که اقرار با چهار مرتبه در صورتی که مقرر عاقل، بالغ و مختار باشد، پذیرفته می شود و شهادت شهود هم با شهادت چهار مرد یا سه مرد و دو زن قابل اثبات است که در این صورت خصوص، بین فقهای اسلام هم در کمیت اقرار و هم در شهادت شهود اختلاف است.

علم قاضی نیز از موارد اثبات کیفر رجم می باشد. علم قاضی، امروزه در اکثر کشورهای متمدن و پیشرفته، یکی از دلایل مهم محسوب می شود؛ چرا که جرائم همراه با پیشرفت زمان و تکنولوژی، فنی و پیچیده تر می شوند و لذا در چنین شرایطی باید علم قاضی جهت اثبات جرائم، دلیل محسوب شود تا قاضی بتواند با استمداد از سایر علوم، حکم قضیه‌ی



مطروحه را بیابد. اکثر فقهای اسلامی، علم قاضی را جهت اثبات در جرائم حق الهی و حق الناسی مؤثر دانسته اند.

بعد از اثبات رجم، با شرایطی حکم رجم ساقط می شود که از جمله ی آن ها فوت متهم، توبه، فرار شهود و محکوم از گودال می باشد. مواردی نیز مانع از اجرای حکم می شود؛ مانند: ایام بارداری و نفاس و یا اجرای حکم در سرزمین دشمن و حرم.

در رابطه با طریقه ی اجرای حکم رجم بیان شد که اگر با اقرار ثابت شده باشد، اولین سنگ را امام و بعد مردم می زنند و اگر با بینه ثابت شده باشد، اولین سنگ را شهود، بعد امام و سپس سایر مردم می زنند؛ اما در مورد کیفیت اجرای آن، مرد را تا کمر و زن را تا سینه در گودال دفن می کنند که در این خصوص، بین فقهای اسلام در نحوه ی دفن یا رجم زانی یا زانیه اختلاف است.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. ترکاشوند، امیر حسین، نسخ سنگسار توسط اسلام، تهران، سایت بازنگری در متون دینی، ۱۳۹۱.
۲. جمشیدی، مرتضی، حقوق کیفری تطبیقی در نظم کنونی، تهران، انتشارات ملکان، ۱۳۸۷.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، تهران، انتشارات مکتب الاسلامیه، ۱۴۰۱ ه.ق.



۴. شیری، عباس، سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۲.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلوم، ۱۳۷۸.
۶. عاملی جبعی، زین الدین بن علی بن احمد، شرح لمعه، قم، وجدانی، ۱۳۶۶.
۷. فیض کاشانی، محسن، مفاتیح الشرایع، محقق: سید مهدی رجائی، قم، ناشر: مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ ه.ق.
۸. گلپایگانی، محمد رضا، مجمع المسائل، قم، مؤسسه دارالقرآن، ۱۳۸۲.
۹. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. مدیر شانه چی، کاظم، آیات الاحکام، تهران، نشر سمت، ۱۳۹.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، قم، مدرسه امیرالمؤمنین ۷، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۱۲. مکی العاملی، ابی عبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین، لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین: محسن غروی‌ان و علی شیروانی، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۴.



۱۳. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم، جامعه المفید:

مؤسسه النشر، ۱۳۸۵.

۱۴. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه: سید محمد باقر موسوی

همدانی، قم، مؤسسه انتشارات دار العلم، ۱۳۷۶.

۱۵. موسوی خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکمله منهاج، ترجمه و شرح: مرتضی طیبی

جبلی و مهرداد اظهري، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.

۱۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ترجمه: اکبر نایب زاده، تهران، انتشارات

خرسندی، ۱۳۹۰.

